**بازتاب هویت ایرانی در منطق الطیر عطار**

**راحله میراخورلی**

مدرس مدعو دانشگاه سمنان

**rahelehmirakhorli@gmail.com**

**علی اسماعیلی ایولی**

عضو هیات علمی دانشگاه سمنان

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه سمنان

**a-esmaeeli@semnan.ac.ir**

**چکیده**

در عصر تکنولوژی و دوره معاصر، ارتباط تمدن ها با یکدیگر غریب نیست. در این میان تبیین هویت ملی هر کشور و تمدن، نقشی بس ژرف و اثرگذار در این دهکده جهانی و درنوردیده شدن مرزها می تواند داشته باشد و مخاطبانی جهانی را برای خود بیابد؛ ولیکن در این مسیر جهانی شدن، تهدیدهای هویتی امری مهم است. ادب و عرفان فارسی که قدمتی دیرینه و غنی را در خود دارد، بواسطه آثاری برجسته نظیر منطق الطیر عطار نیشابوری توانسته موضعی مفتخر برای خود بیابد. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است، به بیان نمودهای هویت ملی ایرانی و اسلامی در منطق الطیر عطار پرداخته شده است و هدف آن است با شناساندن این مولفه ها در این اثر، طرحی را جهت مقابله با تهدید هویتی از سوی غرب ایجاد کرد.

در این پژوهش نتایج به دست آمده حاکی از آن است که این اثر در کنار اشارات عرفانی، تاکید بر باورهای دینی و مذهبی و تمرکز بر اخلاقیات، چارچوبی معرفتی و شناختی را بر مبانی عالیه انسانی رسم می کند. این معارف و مفاهیم، قابلیت بسیار بالایی برای ضریب رسانه ای خوردن و معرفی به جهانیان دارد و نیز با تامل و اهتمام به تقید نسبت به آنها، می توان راهکاری برای بحرانها و چالش­های اجتماعی، فردی و.....در کشور یافت.

**کلمات کلیدی**: هویت ملی، بحران، منطق الطیر، معرفت، تمدن.

**مقدمه**

چیستی و کیستی را در معنای هویت بیان کرده­اند و در ذات و غریزه انسان قرار دارد و از نیاز به شناخته شدن در ارتباط با چیزی یا جایی ایجاد می­شود که می­تواند خودآگاهی فردی را برای انسان به همراه داشته باشد و هویت به دو سطح فردی و اجتماعی قابل اطلاق است(مجتهدزاده، 1384: 9). در تعریف ملت آن را یک جماعت انسانی با دوام می­دانند که در طول تاریخ به وجود آمده و بر مبنای اشتراک زبان، سرزمین، حیات اقتصادی و شکل­بندی روانی که خود را در اشتراک فرهنگی هویدا می­سازد بنا شده است (برتون، 1380: 52).

هویت ملی در حیطه هویت جمعی جای می­گیرد و سبب می­شود تا گروهی از گروه دیگر متمایز شود(ابوالحسنی، 1387: 4) و این­گونه است که هویت اقدام می­کند به تولید دوباره و تفسیر دائمی از الگوی ارزش­ها، نمادها، خاطرات، اسطوره­ها و سنت­هایی که میراث ملت­ها را تشکیل می­دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث و با عناصر فرهنگی­اش امکان­پذیر می­شود(اسمیت، 1383، 46). این هویت ملی موجب یکپارچگی سیاسی می­شود و نتیجه آن حرکت اعتلایی جامعه در همه ابعاد خواهد بود.

در زمان حاضر هویت ملی چالشی را پیش روی جامعه ایران و در ارتباط با کشورهای دیگر به ویژه غربی و فرهنگشان ایجاد کرده است و برخی از طیف­های جامعه را به سمت تمرکز و تلاش برای حفظ آن از دستبرد تهاجم دیگر فرهنگ­های جهانی کشانده است. ضرورت دارد که توجه داشته باشیم که در این بین ادبیات و کتب ادبی باقی مانده از گذشته، نظیر منطق­الطیر عطار نیشابوری، می­تواند مبانی ایجاد هویت ملی نظیر دین، اعتقادات، جغرافیا، سیاست، اخلاق، آیین، آداب و ... را به خوبی در خود بازتاب دهد و نسخه مطلوبی را در بازنمایی هویت ملی و نیز بازسازی آن داشته باشد. از سوی دیگر ما را قادر خواهد ساخت تا با این ذخیره ناب و بهره­گیری از فناوری­ها در حوزه ارتباطات و اطلاعات به سمت ارتباط و تعامل فرهنگی با کشورهای دیگر حرکت کنیم.

از این رو با روش جمع­آوری اطلاعات به طریق کتابخانه­ای و به وسیله تحلیل محتوا، مسأله اصلی پژوهش حاضر را که بررسی و تحلیل مولفه­های هویت ملی در منطق­الطیر عطارنیشابوری است را به بحث می­گذاریم و سعی بر آن داریم تا به این پرسش پاسخ دهیم که عطارنیشابوری تا چه اندازه به این مولفه­ها وامدار بوده و تعلق خاطر داشته است و سعی در بیان و تفسیر دوباره از آن داشته است؟

**پیشینه تحقیق**

حسن مهدی­پور در مقاله نظریه اخلاق عرفانی عطارنیشابوری که مستخرج از پایان نامه دکتری وی است، درصدد آن است تا اخلاق عرفانی عطار را در ساختار نظریه اخلاقی یکپارچه شرح دهد تا بر پایه آن معیار بیان ارزش اخلاقی افعال مبرهن شود. مولف متذکر می­شود که سه نظریه متعارف اخلاق هنجاری که عبارتند از نتیجه­گرایی، وظیفه­گرایی و فضیلت­گرایی از درون اندیشه­های عطار در آثارش هویدا است؛ ولیکن این سه نظریه با برخی اصول خداشناسی و انسان­شناسی اخلاق عرفانی عطار و نیز با هم سازگاری ندارند. این مولف تاکید دارد که با آمیختن سه مفهوم فضیلت، غایت و وظیفه با هم در ذیل فضیلت­گرایی اخلاقی می­توانیم برای اخلاق عرفانی عطار نظریه اخلاقی یکپارچه­ای را پیشنهاد کرد.

محمدهادی فلاحی و معصومه گلستانه در مقاله بازیابی رمزگان­ها در منطق­الطیر عطارنیشابوری(خوانش داستان مرغان سالک و برادران یوسف)، با استفاده از الگوی رولان بارت، قسمتی از داستان سفر مرغان از منظومه منطق­الطیر را بررسی کرده است و معتقد هستند که در متون ادبی کلاسیک، برای خواننده شرایطی ایجاد می­شود که خواننده تنها به یک معنا دست می­یابد؛ اما آثاری نظیر منطق­الطیر، مدام دلالت معنایی را به تعویق انداخته و تفکر خلاق خواننده را به ایجاد معنی فرا می­خواند.

در مقاله «بررسی مفهوم استغناء در منطق­الطیر عطار و تاثیر آموزه­های کلامی بر آن»، مولفان با تاکید بر محوریت مفهوم استغناء در ادبیات صوفیه و در ادامه نگاه عطارنیشاوری در حیطه علم کلام و تفکر اشعری­مسلک وی را در ارتباط با این مفهوم مورد واکاوی قرار داده­اند و به استفاده عرفانی عطار نیشابوری و نتایج آن نیز نگاهی داشته­اند.

یکی دیگر از مقاله­هایی که از نظر موضوع نزدیک به موضوع انتخابی ما در این مجال است، مقاله «بررسی و تحلیل مولفه­های هویت ملّی جغرافیایی و فرهنگی در شاهنامه فردوسی با رویکرد به شخصیت رستم» است که شاهنامه به دلیل بازآفرینی هویت ملی مورد انتخاب مولفان این پژوهش قرار گرفته است. نویسندگان بر این نظر هستند که رستم یکی از شخصیت­های برجسته است که فردوسی با تکیه بر ویژگی­های جسمانی و معنوی او، قسمتی از اندیشه­های هویت­ساز خود را تبیین کرده است و مولفه­های هویت ملی جغرافیایی و فرهنگی که فردوسی از طریق به کارگیری شخصیت رستم در شاهنامه به مخاطبان خود انتقال داده است مورد بررسی قرار داده­اند.

عسگر اکبری در مقاله «مولفه­های هویت ایرانی-اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری» به تلفیق مولفه­های هویت ایرانی با مبانی اسلامی در ذیل هویت ملی اهتمام داشته است و این بعد از هویت ملی را در آراء مقام معظم رهبری به عنوان یکی از اندیشمندان جهان اسلام بررسی می­کند و معتقد است درک عمیق اندیشه­های ایشان در دفاع از ارزش­ها و باورهای ملی برای جامعه حائز اهمیت خواهد بود.

فرشاد سلیمی نژاد و همکارانش در مقاله «بررسی و تحلیل مولفه­های هویت ملی در شعر اخوان و شفیعی کدکنی»، به مصادیق هویت ملی که بیشتر مطمح نظر این دو شاعر بوده است، در سروده­های این دو شاعر توجه کرده­اند و تحلیلی از آن ارائه شده است. در این پژوهش برای رهایی از بی­هویتی، تکیه بر عناصر فرهنگ بومی مورد نظر است و حفظ و حراست از آن بر عهده انسان نهاده شده است.

در مقاله «هویت ایرانی در ادب فارسی تا حمله مغول»، نویسندگان پس از بازشناسی و بررسی مفهوم ایران و ایرانی، از طریق بررسی ادب پارسی تا حمله مغول کوشش شده است تا پربسامدترین مولفه­های فرهنگی هویت ایرانی را جستجو و از طریق نمونه­های بارز آن معرفی گردند.

**مولفه­های هویت ملی در منطق­الطیر**

**تعلق به وطن**

تعهد به سرزمین مادری که از آن تعبیر به وطن می­شود را در حیات و زندگی عطار نیشابوری می­توان دید. هرچند در باب زندگی عطار مجهولاتی وجود دارد؛ ولیکن نقل است که این شاعر اهل نیشابور در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم هجری قمری می­زیسته است و در حمله مغول و به هنگام قتل و عام نیشابور حاضر به جلای وطن نمی شود و با ماندن در شهر برای وطن جان می­دهد و در بدترین شرایط نیز علاقه او به این آب و خاک اجدادی از دست نمی­رود و دلبستگی­اش به وطن را ارزش می­نهد و برای آن می­میرد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| «دیگری گفتش دلم پر آتش است هست قصری زرنگار و دلگشای عالمی شادی مرا حاصل ازو |  | زانک زاد و بوم من جای خوش است» خلق را نظاره او جان فزای چون توانم برگرفتن دل ازو (نیشابوری، 1388: 328) |
|  |  |  |

قصد عطار در این منظومه تمثیلی، روایتی از عدم انفعال، رشد داشتن و حرکت نمودن است. در تبیین لازمه این تقلا، عطار مخاطب خود را به این مهم توجه می­دهد که تامل و بازگشت به درون نسبت به اندیشه، اعمال و توانایی­هایی نظیر مراقبت و نظارت بر تمایلات غریزی و شخصی ضروری است.

برای عطار اتحاد و همبستگی در جامعه حائز اهمیت و ارزش است و اقدام به آگاهی بخشی می­کند. سی پرنده در منطق‌الطیر ایفای نقش می‌کنند؛ ولیکن در می‌یابند که یکی هستند تا وحدت کلی برای ایشان حاصل شود(حمزئیان و همکاران، 1400: 110).

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| چون نگه کردند آن سی مرغ زود خویش را دیدند سیمرغِ تمام |  | بی­شک این سی مرغ آن سیمرغ بود بود خود سیمرغ سی مرغِ مدام (نیشابوری، 1388: 426) |
|  |  |  |

او حساسیت داشتن به وطن و تعهد در برابر آن را با معرفت­افزایی ارتقاء می­دهد و برای دوری از اسباب افتراق در جامعه شروع به تبیین این علت­ها می­کنند. عطار سربلندی و عزت ملی را تنها در سرزمین مادری به وصف می­کشد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شاه مرغانم در آن قصر بلند شهریاری چون دهم کلی زدست |  | چون کشم آخر درین وادی گزند چون کنم آخر درین وادی گزند (نیشابوری، 1388: 328) |
|  |  |  |

**نگاه به تمام ظرفیت­ها**

عطار نیشاوری کتاب خود را با خطاب قرار دادن چند مرغ آغاز می­کند. هدهد هادی شده در داستان مرغان عطار نقش محوری دارد و بر اساس ویژگی­های ظاهری نظیر تاج­وری و شانه به سر بودنش و نیز خصایص درونی همچون تیز فهمی او، هدایت مرغان بر عهده این پرنده است.

موسیجه به دلیل صوتی که از او بر می­آید، شهره به «موسی کو تقی» است و این مجاورت در موسی و موسیجه، تداعی رفتن موسی به کوه طور و خواستار دیدار حق شدن می­کند و این آرزوی دیدار حق در موسی (و موسیجه) با آنچه در ضمیرِ پرندگان عطار نهفته است شباهت­های بسیاری دارد(نیشابوری، 1388: 171).

طوطی متلوّن و سخنگوی مقلّد است و به جهت غلبه رنگ سبز در پرهایش او را به خضر نبی(ع) مرتبط می­کنند که در طلب زندگی جاوید است و دینداری را در ظاهر به نمایش می­گذارد.

کبک به جهت زیست در کوه و کمر، ارتباط خود را با محیط طبیعی حفظ کرده و علاقه عجیبی این پرنده به خوردن سنگ دارد و در نگاه عطار به دلبستگی دیده شده است.

بط با پرهایی زیبا، ایستادن در آب، ثابت در جوار آب و حضور همیشگی در آب دارد و اینچنین برای خود محدودیت در مسیر ایجاد می­کند. حینی که پیوسته در کنار همنوعان خود است؛ ولیکن توجه به خود دارد و این مانع از فهم باطن برای او است. دل خوش کردن به پوسته و غفلت از مغز، همچون مانعی است که او را از خودآگاهی عبور نمی­دهد( حمزئیان و همکاران، 1400: 113).

طاووس، قمری، فاخته، باز، تذرو، دُرّاج، مرغ زرین، بط و .... از دیگر پرندگانی هستند که عطار با نگاه به ویژگی­ها و توانایی­های متفاوت آن­ها در دیباچه اثر خود از آن­ها یاد می­کند. او امتیاز و اختلاف­های فردی و گروهی را در یک جامعه می­بیند و یک به یک آن­ها را در استفاده از این فرصت خطاب قرار می­دهد و به حرکت در مسیر فرا می­خواند. این تفاوت­ها، چنددستگی و مقاومت­هایی را ایجاد می­کند و خود می­تواند بازدارنده باشد. میزان سعی، تلاش، همت و ظرفیت­های آنان است که باعث می­شود از ادامه مسیر انصراف دهند و یا شرایط متفاوت را برای خود ایجاد کنند و دعوت را بپذیرند و رو به جلو حرکت کنند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| شیر مردی باید این ره را شگرف مرد می­باید تمام این راه را دست باید شست از جان مردوار |  | زان­که ره دور است و دریا ژرف ژرف جان فشاندن باید این درگاه را تا توان گفتن که هستی مردِ کار (نیشابوری، 1388: 264) |
|  |  |  |

**هدف داشتن**

عطار می­داند مسیر اعتلا صعب و دشوار است و شرایط سختی را برای مرغان ایجاد می­کند. از این رو از آرمان و هدف شروع به تصویرسازی می­کند. او هدفمند بودن را شرط حرکت می­بیند و توصیه می­کند که برای رسیدن به بارگاه سیمرغ به غایات کوچک بسنده نکنند. عزم خود را بر همتی قوی جمع کنند و از نقائص خود گذر نمایند تا بتوانند شرایط سخت که در جامعه رقم می­خورد را پشت سر گذارند.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| هردلی کو همت عالی نیافت آن ز همت بود کان شاه بلند خسروی را چون بسی خسران بدید چون به پاکی همتش در کار شد چشم همت چون شود خورشید بین |  | ملکت بی­منتها حالی نیافت آتشی در پادشاهی اوفکند صد هزاران ملک صد چندان بدید زین همه ملک نجس بیزار شد کی شود با ذره هرگز همنشین (نیشابوری، 1388: 350) | |
|  |  | |  | |

**حس حقارت و خودکم بینی**

در گفتگویی که بین بط و پرندگان در جریان است، برخی اظهار ناتوانی را بر زبان دارند و بهانه­هایی را مطرح می­کنند که نشان از حس ضعف و خودکم بینی است.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| جمله مرغان چو بشنیدند حال کای سَبق بُرده ز ما در رهبری ما همه مشتی ضعیف و ناتوان کی رسیم آخر به سیمرغ رفیع نسبتِ ما چیست با او، بازگوی او سلیمان است و ما موری گدا |  | سر به سر کردند از هدهد سوال ختم کرده بهتری و مهتری بی­پر و بی­بال نه تن نه توان گر رسد از ما کسی، باشد دریغ زان­که نتوان شد، بعَمیا، رازجوی در نگر کو از کجا ما از کجا (نیشابوری، 1388: 280) | |
|  |  | |  | |

**تعصبات مذهبی و اعتقادی**

عطار در آثار خود اعم از منطق­الطیر، الهی­نامه، مصیبت­نامه، اسرارنامه، مختارنامه و دیوان تلاش بسیاری می­ورزد تا مخاطبانش را با محوریّت بندگی خدا متوجه زندگی اخلاقی و شعائری کند، یعنی چیزی که با آن قرب الهی حاصل می­شود. بنابراین از میان تصورات مختلف خداشناسی فقط با خدای متشخص انسان­وار امکان روابط اخلاقی و شعائری وجود دارد( مهدی­پور، 1397: 36و37). اما غرور، تعصب، تقریرهای متفاوت و گاه به اشتباه از مبانی اعتقادی، می­تواند حجابی بین انسان و دستیابی به حقیقت و دوری از هویت ملی و برهم زدن اتحاد ملی باشد و عطارنیشابوری این موارد را در دور نمودن قلب­های افراد یک جامعه می­بیند و متذکر می­شود.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| گفت در هر دو جهان ندهد خبر |  | کس ز من پاک­رو یک پاک­تر (نیشابوری، 1388: 270) | |
|  |  | |  | |

در گفتگوی هدهد و بط، بط که خود را اهل عبادت و سخت پایبند رفتارهای آیینی نشان می‌دهد و ادعای کرامت را دارد، در نهایت ترک مسیر می­کند.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| «زاهد مرغان منم با رای پاک |  | | دائمم هم جامه و هم جای پاک» (نیشابوری، 1388: 270)  . | |
| «من رهِ وادی کجا دانم بُرید آن که باشد قُله­ای آبش تمام |  | زان­که با سیمرغ نتوانم پرید کی تواند یافت از سیمرغ کام؟» (نیشابوری، 1388: 270) | |
|  |  | |  | |

عطار در این گفتگو، بیمناکی این سنخ از افراد را از نشستن آلایش بر تنشان به خوبی توصیف می‌کند و در شرح خوش کردن دل به پوسته و غفلت از مغز، از زبان بط چنین می‌سراید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| «گفت در هر دو جهان ندهد خبر کرده­ام هر لحظه غسلی بر ثواب هم چو من بر آب چون استد یکی |  | کس زمن یک پاکروتر یک پاکتر پس جــاده بــاز افکــنده بر آب نیست باقی در کرامـاتم شــکی» (نیشابوری، 1388: 270) |

**داشتن بصیرت و بیداری**

عطار در نمادپردازی‌­های خود از واژگانی که نشانگر الگوی بیداری است نظیر خروس استفاده می‌­کند. خروس به جهت ظاهر خوش، که از پرهای متلوّن و قامت استوار حاصل آمده است و نیز سر دادن لحن خوش، دوربین بودن، بر بلندی ایستادن و سر برآوردن به سوی خورشید، مورد ستایش عطار قرار گرفته است.

برخوردار از بصیرتی قوی، رهایی از ظلمت و تاریکی با گشودن پلک‌ها و رؤیت نور را می­توان در این کنش مشاهده کرد. از این‌رو مخاطب، آدمی است که به واسطه خبطی، از عرشی که شایسته وی بود، بازمانده و مبتلای کنج این دنیای سفلی شده است(حمزئیان و همکاران، 1400: 115).

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| «خویش را زین چاه ظلمانی برآر |  | سر ز اوجِ عرشِ رحمانی برآر» (نیشابوری، 1388: 261). |

**بلاپذیری و صبر**

شرور و بلایا اقتضای نظام مادی است و همه امور عالم نیز به حکم قضا و قدر ازل الهی است. زندگی عطار در حد واسط بین حمله غزها به نیشابور و حمله خانمان­سوز مغولان به نیشابور بوده است و فضای پرتنش سیاسی و اجتماعی را در زندگی خود دیده است و در سطحی خردتر به واسطه شغل خود که عطاری ببوده با بلایا و امراض و آلام مردمی آشنا بوده است با اذعان به حیطه و سیطره علم الهی خداوند نسبت به امور عالم، مبنا را با این تبیین بر پذیرش بلایا قرار می­دهد. او بلا را نشانه لطف و عنایت خاص خداوند نسبت به بنده می­بیند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| « گر تو را رنجی رسد گر زاریی |  | آن ز عزّ توست نه از خواریی»  (نیشابوری، 1388: 341). |

راحتی و رحمت وابسته به رنج و بلا است و عطار در این موضع به نتایج تربیتی و اصلاحی نیز توجه دارد و زمینه­ساز مجاهدت نفسانی در تصفیه باطن و مبارزه با هواها و تمایلات نفسانی، ترک گناهان و لذایذ دنیوی و در نتیجه به فعلیت رسیدن استعدادهای متعالی بالقوه در جان انسان است. بدین­گونه طریق حقیقت با عافیت­طلبی، کامروایی و زندگی قرین ناز، نعمت و اجتناب از بلایا ممکن نیست (مهدی­پور، 1397: 252) و به پشتوانه باور و اعتقاد به خدا، لطف و عنایت او را در نگاه داشته باشد. در این مقوله عطار ساحت عقیدتی و معرفتی باور و ایمان به خدا را به فضیلتی همچون صبر و توکل نسبت به خدا به عنوان مولفه­هایی در هویت ملی پیوند می­زند.

**نتیجه**

عطار نیشابوری زندگی و هویت موجود در جامعه و یک ملت را در شاکله یک داستان رمزی در منطق­الطیر و روایت می­کند. او معتقد است در پیدایش هویت ملی در بین اعضای یک جامعه، متحد بودن نقشی پررنگ دارد و در ابتدای روایت رمزی خود نیز وجود رهبر در قامت هدهد برای هدایت افراد را ضروری دیده و این­گونه سعی در کنار هم نهادن افراد با التزام به یک سری از اصول فراگیر فرهنگی، جغرافیایی، اعتقادی و مذهبی دارد. ابتدا هدهد آموزش را ضرورت می­بیند و از سختی و رازها می­گوید و برایشان آینده را در تصویری زیبا بازنگری و پیشگویی می­کند. پس از غربالگری و در گام بعد از آن­ها می­خواهد نازیبایی­ها، زشتی­ها و تعلقات را به دور اندازند و در نهایت قدم در راه گذارند.

مولفه گفتگو داشتن با یکدیگر با تمام تفاوت ها و تعدد ارزش و غیر ارزش بین افراد، نیز از نقاط پربسامد در این داستان است که به جای ایجاد شکاف و تسرّی اختلاف بین افراد یک جامعه می­توان با گفتگو انسجام ملی را با وجود تشتّت در اندیشه­ها رقم زد. او نشان داد که در نسخه هویت ملی او همه نزاع و شکاف­ها و دوئیت­ها به جهت تعلق و عشق به وطن رفع می­شود.

افرادی که نگاه به سود و مصلحت فردی یا حس خودکم­بینی دارند و آن را با آوردن عذر و بهانه­های متعدد نشان می­دهند، خواه نا خواه در این گذر حذف می­شوند. ناامیدی و متأثر شدن از ناملایمات نیز در تبیین هویت ملی از منظر عطار جایگاهی ندارد و در ازای آن بصیرت، هدفمندی، شجاعت، سرسختی، روحیه جمع­گرایی داشتن، توکل و صبر را پیشنهاد می­کند.

**منابع**

ابوالحسنی، رحیم، مولفه­های هویت ملی با رویکردی پژوهشی، فصل­نامه سیاست دانشگاه تهران، دوره 38، شماره چهارم، 1387، 22-1.

اسمیت، آنتونی، منابع قومی ناسیونالیسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش­شماره اول، 1383، 52-44.

اشرف­ امامی، علی؛ یوسفی، امیر، بررسی مفهوم استغناء در منطق­الطیر عطار و تاثیر آموزه­های کلامی بر آن، نشریه ادیان و عرفان، سال پنجاه و چهارم، شماره اول، بهار و تابستان 1400، 41-19.

اکبری، عسگر، مولفه­های هویت ایرانی-اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، نشزیه نامه هویت، شماره 57، آذر 1399، 9-4.

برتون، رولان، 1380، قوم­شناسی سیاسی، ترجمه ناصرفکوهی، تهران، نی.

برزی، اصغر، 1374، شرح منطق­الطیر، دوجلدی، چاپ اول، تبریز، اعظم بناب.

حمزئیان، عظیم، میرآخورلی، راحله، بررسی رابطة نمادپردازی­های عرفانی دو اثر ئی­چینگ و فنگ­شن­ین­آی با منطق­الطیر عطار؛ (سیمرغ، بط، خروس، غاز و درنا)، فصلنامه علمی ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال 17، شماره 63، تابستان 1400، 123-93.

رستگار فسایی، منصور، اثنی­عشری، اطلس، هویت ایرانی در ادب فارسی تا حمله مغول، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره 22، شماره اول، بهار 1384(پیاپی 42)(ویژه­نامه زبان و ادیات فارسی)، 80-69.

سلیمی­نژاد، فرشاد، نوروزی داودخانی، ثوراله، اسداللهی، خدابخش، بررسی و تحلیل مولفه­های هویت ملی در شعر اخوان و شفیعی کدکنی، نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، دوره 13، شماره 50، زمستان 1400، 321-297.

فاطمی مقدم سقی، میرزایی مطلق، فرشاد، سپه­وندی، مسعود، بررسی و تحلیل مولفه­های هویت ملّی جغرافیایی و فرهنگی در شاهنامه فردوسی با رویکرد به شخصیت رستم، جستارنامه ادبیات تطبیقی، شماره نهم، پاییز 1398، 74-50.

فلاحی، محمدهادی، گلستانه، معصومه، بازیابی رمزگان­ها در منطق­الطیر عطارنیشابوری(خوانش داستان مرغان سالک و برادران یوسف)، ادیات عرفانی و اسطوره­شناختی، شماره 64، پاییز 1400، 174-145.

مجتهدزاده، پیروز، 1384، ایده­های ژئوپولیتیک و واقعیت­های ایرانی، تهران، نی.

مهدی­پور، حسن، 1397، اخلاق عرفانی عطارنیشابوری(مبانی، نظام­مندی و نظریه اخلاقی)، چاپ اول، تهران، نگاه معاصر.

مهدی­پور، حسن، نظریه اخلاق عرفانی عطارنیشاوری، پژوهشنامه عرفان، شماره، 15، پاییز و زمستان 1395، 192-165.

نیشابوری، عطار، 1388، منطق­الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات، چاپ هفتم، تهران، سخن.

**Reflection of Iranian identity in Attar,s Mantegh-ol-Teir**

In the age of technology and the contemporary period, the communication of civilizations with each other is not strange. Meanwhile, the explanation of the national identity of each country and civilization can have a very deep and effective role in this global village and the penetration of borders and can find a global audience for itself; But in this direction of globalization, identity threats are important. Persian literature and mysticism, which has a long and rich history, has been able to find a proud position for itself due to outstanding works such as Attar Nishaburi's Mantegh-ol-Teir. In this research, which was carried out in a descriptive-analytical way, the manifestations of Iranian and Islamic national identity in Attar 's Mantegh-ol-Teir have been discussed, and its purpose is to identify these components in this work, to develop a plan to deal with the identity threat from The West created

The obtained results indicate that this work, along with mystical references, emphasizing on religious and religious beliefs and focusing on ethics, draws an epistemological and cognitive framework on the foundations of human excellence. These knowledges and concepts have a very high capacity for the media quotient and introduction to the world, and with consideration and effort to adhere to them, it is possible to find a solution for social crises and challenges, individual and... in the country. Found.

Key words: National Identity, Crisis, Mantegh-ol-Teir, Knowledge, Civilization.